

جایگاه خانواده در شکل گیری تربیت فرزندان و ارتقای رشد جامعه

زینب میان آبادی^۱

عاطفه نجفی تیرتاشی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

چکیده

مقوله تربیت بحث مهمی است که غفلت و بی توجهی به آن باعث لطمات جبران ناپذیری بر خانواده ها و جوامع خواهد شد. برای پرورش افراد باید مفهوم تربیت به درستی درک شود چرا که شیوه های غلط تربیتی که در بعضی موارد به شیوه ای ناآگاهانه اعمال می شود، لزوم توجه و شناخت ماهیت تربیت را ضروری می کند. اصولاً باید تربیت را یک دانش پرورش انسان ها دانست که با توجه به شناختی که از ابعاد وجودی انسان ها از شیوه های علمی و تجربی مختلف حاصل می شود، راهکارهایی برای هدایت و تربیت معین می شود. اگر تربیت را در محیط خانواده تعریف کنیم باید به نقش ویژه و موثر خانواده در تربیت فرزندان و همچنین رشد جامعه، اعتقاد داشته باشیم و بپذیریم که اگر شیوه های تربیتی از همان اول به روشی درست اعمال شوند بازتاب های مثبت آن را در خانواده و جامعه مشاهده خواهیم کرد.

واژگان کلیدی

جایگاه خانواده، شکل گیری تربیت فرزندان، ارتقای رشد جامعه

۱. کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران.

۲. کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران.

مقدمه

تربیت یا پرورش افراد به عوامل زیادی بستگی دارد از جمله محیط خانواده، محیط جامعه، محیط های آموزشی و سایر عوامل محیطی که می توانند رفتارهای افراد را تحت تاثیر قرار دهند طبعاً انسان ها از محیط تاثیر می پذیرند و محیط های استاندارد و مطلوب اثرهای مثبت را بر افراد می گذارند و محیط های نامناسب اثرات منفی، پس فرد و جامعه از یکدیگر تاثیر می گیرند و بدیهی است که رشد یک فرد در یک جامعه آگاه بهتر خواهد بود تا جامعه ای که به ارزشهای انسانی توجهی نداشته باشد و همچنین یک جامعه آگاه با توجه به داشتن ساختارهای اجتماعی مطلوب به ماهیت افراد ارزش می گذارد و برای پرورش و تربیت افراد اقدامات اجتماعی لازم را انجام می دهد (بلاغت و همکاران، ۱۳۹۵).

اهمیت به محیط و نحوه شکل گیری خانواده ها هم موضوعی مرتبط با ساختارهای یک جامعه مدرن است. بیان مطالب این نکته را قابل تامل می کند که ساختارهای جامعه نقش مهمی دارند و باید به عنوان گام اساسی در زمینه ارتقای سلامت جامعه اقدام لازم صورت داد تا سایر بخش های جامعه نیز از این برنامه ریزی اجتماعی بهره ببرند آنچه لزوم توجه بیشتر به تربیت و فرهنگ اجتماعی درست را سبب می شود وجود محیط های نامطلوب اجتماعی، تنازعات اخلاقی و افرادهای شرور و نادرستی است که باعث خلق محیط نا امن در جامعه شده اند و اختلافات افراد با یکدیگر و نداشتن ارتباطات سالم نیز بخشی از عوارض بی توجهی به مسئله تربیت است (فاضلی کبریا و همکاران، ۱۴۰۰).

داشتن محیط اجتماعی امن و مناسب، نیاز هر فردی است و اصولاً هدف تربیت خلق محیط اجتماعی ایده آلی است که افراد بتوانند با آرامش و اطمینان زندگی قابل قبولی را داشته باشند. برای خلق این محیط مطلوب باید هم جامعه احساس وظیفه و مسئولیت نماید و هم افراد نیز باید خود را مسئول بدانند در قبال وظایف انسانی خود، پس برای برقراری تبادل درست فرد با جامعه و جامعه با فرد باید هر دو عنصر فرد و جامعه به درستی عمل نمایند. آشنایی با ارزش های انسانی و ماهیت انسان ها سبب خواهد شد که جدی و مسئولانه تر در زمینه تربیت و پرورش فرد و جامعه اقدام صورت گیرد (نجی الهی ملکشا و همکاران، ۱۴۰۰).

لذا همچنانکه ذکر شد نبود محیط اجتماعی مطلوب یا نداشتن فکر و ذهن سالم و بسیاری از موارد سبب خواهد شد تربیت کردن افراد موضوعی بسیار مهم و قابل تامل باشد. تربیت اجتماعی کودک به فرایندی اطلاق می شود که در آن ارزش ها، نگرش ها، مهارت ها و رفتارهای اجتماعی به کودکان آموزش داده می شود تا بتوانند در جامعه به خوبی عمل کنند و با دیگران به خوبی برخورد کنند. این فرایند شامل یادگیری مهارت های ارتباطی مؤثر، قوانین اجتماعی، احترام به دیگران، توانایی همکاری و همدلی، حل تعارض، قدرت خود کنترلی و مهارت های اجتماعی دیگر می شود.

طرح مساله

هدف اصلی از تربیت اجتماعی کودک، آماده سازی او برای زندگی در جامعه است. این آموزش ها و تمرین ها می توانند در خانه، مدرسه و سایر محیط های اجتماعی صورت بگیرند. تربیت اجتماعی می تواند به کودکان کمک کند تا مهارت های اجتماعی لازم برای برقراری روابط مثبت و سالم با دیگران را بیاموزند و درک صحیحی از انتظارات اجتماعی پیدا کنند. تربیت اجتماعی کودک شامل آموزش اصول اخلاقی، توسعه قدرت های اجتماعی و تقویت توانایی های رفتاری مثبت است؛ بنابراین، این آموزش ها می توانند به کودکان کمک کنند که بهتر درک کنند که چگونه با دیگران همکاری کنند، تعارضات را حل کنند، مسئولیت پذیری را تقویت کنند و احترام به دیگران را بیاموزند (عسکری و همکاران، ۱۳۹۴).

روش‌های مختلف برای بسترسازی در زمینه تربیت افراد مطرح است اهمیت به خانواده یا توجه به تربیت فرزندان از ابتدا و جدی گرفتن مفاهیم تربیتی و همچنین آگاهانه و با دانش در مسئله تربیت اقدام کردن، از موارد مهم هستند اگر خاص تر موضوع خانواده را بررسی نماییم باید به نقش خانواده در جامعه آگاهی پیدا کنیم و اینکه چرا در مباحث علمی روانشناسی و جامعه‌شناسی اهمیت خانواده موضوعی مهم است. در راستای ساختارهای موثر تربیتی سه عنصر جامعه، خانواده و فرد مطرح می‌شود به این معنا که برای ساخت جامعه آگاه نیاز به برنامه‌های اجتماعی کارشناسانه است تا جامعه ای آگاه شکل بگیرد خانواده نیاز به محیط اجتماعی یا جامعه آگاه دارد برای رشد و یادگیری و در نهایت فرد با وجود این محیط‌های مناسب زمینه اصولی برای پرورش او فراهم خواهد شد. پس باید بدانیم که عنصری تنها به نام خانواده یا فرد نداریم و همه در یک سیستم اجتماعی فعالیت دارند لذا باید به همه موارد متأثر توجه شود (آقایانی چاوشی و همکاران، ۱۳۹۵).

خانواده به عنوان محیط اولیه تربیت کودکان، نقش بسیار مهمی در توسعه مهارت‌های اجتماعی آن‌ها دارند. ارتباط نزدیک با والدین، تقلید و الگوبرداری از رفتارهای تکراری و آموزش اصول اخلاقی، تنها برخی از عوامل مهم در تربیت اجتماعی کودکان است. مدارس و محیط تحصیلی نقشی حیاتی در تربیت اجتماعی دارند. برنامه‌های آموزشی، فضای اجتماعی مدرسه و تعامل با همسالان، به کودکان امکان می‌دهد تا مهارت‌های ارتباطی و همکاری را تقویت کنند. در نهایت جامعه به عنوان محیط گسترده‌ای برای تعامل کودکان، نقش مهمی در تربیت اجتماعی آن‌ها دارد. ارتباط با همسن و سالان خود، شرکت در فعالیت‌های جمعی و آشنایی با ارزش‌ها و قوانین اجتماعی، به کودکان امکان می‌دهد تا در محیط اجتماعی به خوبی عمل کنند (حاجیلو و رمزی، ۱۳۹۳).

۱- جامعه سالم

اینکه محیط اجتماعی مطلوب اثرات مثبت دارد امری بدیهی است و همچنین جامعه بخشی از وظیفه تربیت افراد را بر عهده دارد چون افراد و یا مجموعه خانواده از یک جامعه تاثیر می‌پذیرند و هر اندازه که افراد سالم و درست باشند تحت تاثیر محیط اجتماعی نامطلوب دچار آسیب‌های فکری و روانی خواهند شد پس اهمیت به سالم سازی جامعه و اقدام در این زمینه ضروری است برای این منظور داشتن نظام‌های اجتماعی استاندارد است که بر پایه دانش و آگاهی شکل گرفته باشند دستورات و برنامه ریزی‌های کارشناسانه داشته باشند و این برنامه ریزی‌های اجتماعی باید جامع و همه جانبه باش، به این معنا که در جامعه باید نهاد آموزش و پرورش کودکان به درستی نقش خود را ایفا کنند، قوانین حقوقی و قضایی باید محافظ حق افراد بوده و با افراد گناهکار با جدیت برخورد نمایند، سیستم اداری و تجاری باید در جامعه سالم عمل کنند، مسولان در بخش‌های مختلف وظایف خود را درست انجام دهند و... در حالت کلی در سیستم‌های جامعه باید هم رفاه و امنیت فرد هدف باشد و هم در صورت تخطی و اشتباه قاطعانه برخورد شود تا جامعه روند سالمی داشته باشد. وقتی سیستم جامعه برگرفته از نهادهای مختلف جامعه در یک پیوستگی و تداوم آگاهانه اداره درست جامعه را انجام دهند بخشی از مقوله تربیت تعریف و اجرا شده و زمینه برای شکل‌گیری خانواده‌های سالم و افراد سالم ایجاد شده است (آقایانی و همکاران، ۱۳۹۸).

۲- خانواده

زمانی از ارتباط و تاثیر سه عنصر جامعه، خانواده و فرد بحث می‌شود و تاثیرات آنها در فرآیند سالم سازی جامعه و فرد، پس امری طبیعی است که باید هر کدام از بخش‌ها در پرورش و تربیت نقش خود را درست انجام دهند. خانواده را اگر

یک جامعه کوچکتر تصور کنیم اصولاً وقتی یک خانواده موفق خواهد شد که از اصول تربیتی و انسانی پیروی نماید اعضای خانواده وقتی در محیط خانواده با وظیفه شناس بودن و آداب انسانی آشنا شوند در جامعه ای که پایبند به ارزش های انسانی و دینی است نیز می توانند موثر و موفق باشند. در واقع محصول یک خانواده سالم، افرادی با ادب و فرهیخته است که عضوی موثر و مناسب در جامعه می باشند یعنی خانواده سالم عضوی موثر در خلق افراد سالم برای جامعه است (ابراهیم پور و عالیشاهی، ۱۳۹۶).

خانواده از یک سو با مدیریت پدر و مادر و سایر اعضا، یک نوع سیستم اجتماعی کوچک را ایجاد می کنند اینک چگونگی یک خانواده موفق شکل می گیرد در مرحله اول به پدر و مادر یا سرپرست های خانواده برمی گردد اگر این افراد افرادی مسئول و وظیفه شناس باشند و به ارزش های انسانی معتقد، بدیهی است که در پرورش و تربیت سایر اعضای خانواده تلاش خواهند کرد و تا حدی این وظیفه را انجام خواهند داد از طرفی دیگر باید در یک جامعه مشاورین خانواده فعالیت موثری داشته باشند در موارد لزوم بتوانند همکاری و همفکری کنند ولی اساس خانواده نقش پدر و مادر است و شاید بیشتر جرایم و انحرافات اخلاقی از بی توجهی های خانواده ها شروع شده است پدر و مادر باید بپذیرند که با تربیت فرزندان در واقع مسیری امن و بهتر را هم برای فرزندان و هم برای خودشان مهیا می کنند، چرا که فرزند نادرست و خلافکار علاوه بر اینکه فردی ناشایست برای جامعه است و خود را گرفتار می نماید خانواده را نیز دچار گرفتاری می کند و به کانون خانواده لطمه می زند و این آسیب به محیط خانواده در افراد دیگر نیز تاثیر می گذارد و همینطور در جامعه و افراد دیگر، لذا اگر خانواده ها نتوانند فرزندان را درست تربیت و پرورش دهند در واقع یک سیستم و جامعه را دچار آسیب می کنند و اصولاً بخشی از آسیب های اجتماعی اینگونه شکل می گیرد. فردی که در خانواده ای نادرست و غیر متعهد به مبانی اخلاقی بزرگ شده باشد برای سایر افرادی در جامعه که با او در ارتباط هستند نوعی آسیب و ضرر است و اینگونه جامعه دچار بحران و ناهنجاری خواهد شد پس نباید از نکات تربیتی هیچ گاه غافل شد چون به یک معضل اجتماعی تبدیل خواهد شد که مهار آن بسیار سخت خواهد بود. از طرفی دیگر پدر و مادر باید دانش و اصول تربیتی آشنا شوند و باید بپذیرند که هر محیط اجتماعی یا تبادل ارتباطی بین افراد نیازمند آگاهی است تا ارتباط سالم شکل بگیرد در مواردی که نمی دانند چگونه با فرزندان خود برخورد کنند از مشاورین و روانشناسان کمک بگیرند و از طرفی دیگر باید بپذیرند که مسئول واقعی تربیت فرزندانشان خودشان هستند و هیچگاه اهمیت این موضوع را فراموش نکنند برای اینکه آنها گامی در ساخت جامعه داشته باشند باید این وظیفه اولیه و اساسی را به بهترین شکل انجام دهند.

۳- فرد

جامعه و خانواده یک کانون یا محیط محسوب می شوند که افراد در آن با هم در ارتباط هستند که باید این محیط های فضایی اخلاقی و آموزشی درست داشته باشند تا فرد هم به نحوی تحت تاثیر محیط اصول تربیتی را یاد بگیرد. ولی بخشی از این پرورش خود فرد است، یعنی علاوه بر اینکه محیط های آموزشی یا محیط مطلوب اجتماعی در تربیت فرد نقش دارد، خود فرد نیز باید خواهان رشد و پرورش باشد اصولاً در جامعه شناسی و روانشناسی فرد اهمیت بسیار زیادی دارد و شناخت و درک او باعث حل بیشتر معضلات اجتماعی خواهد شد. تربیت زمانی برای یک فرد موثر خواهد بود یا یک فرد زمانی از آموزش های اخلاقی و تربیتی بیشترین بهره را خواهد برد که خود خواهان رشد و شکوفایی خودش باشد پس در مقوله تربیت در حالت کلی و در هر سنی نباید وظیفه خود را فراموش کنیم و اینکه ما بخشی از روند

بهبودی خانواده و جامعه هستیم، باید اول خود در این مسیر مسئولانه اقدام کنیم و سعی نماییم فردی فرهیخته و وظیفه شناس باشیم تا همسو با مسیر رشد اجتماعی قرار بگیریم. مسائل تربیتی تنها مربوط به پرورش رفتار نیست در واقع با رشد و آگاهی که با تربیت درست حاصل می‌شود فرد دانش زندگی را یاد خواهد گرفت و می‌آموزد که چگونه با دیگران رفتار کند، چگونه موهبت‌ها و نعمات الهی را ارج بنهد و به انسان به عنوان یک آفریده خداوند بنگرد و زندگی را نعمت الهی بداند که باید به زیباترین و ایده آل‌ترین حالت وظیفه انسان بودن خود را انجام دهد و قطعا وقتی فردی با این مفاهیم اخلاقی آشنا شود در سایه تربیت درست و در زندگی طبق آن عمل نماید بدیهی است که فردی سالم برای خود، خانواده و جامعه خواهد بود. مفاهیم تربیتی بسیار گسترده هستند و نیاز به توضیحات زیادی دارند مبانی تربیتی دستورات برنامه ریزی شده‌ای هستند که باید دقیق پیاده سازی و اجرا شوند تا نتایج مورد نظر حاصل شود ولی بخشی از آن که مربوط به نقش خانواده بود تا حدی بیان شد در بعضی جوامع که قوانین دینی دارند مقوله تربیت از دیدگاه دین هم مطرح است و از طرفی این یک امتیاز محسوب می‌شود برای اینگونه جوامع، چرا که مفاهیم دینی به اخلاق و پرورش افراد اهمیت زیادی می‌دهند (نجی‌الهی ملک‌شاه و همکاران، ۱۴۰۰)

۴- تربیت دینی

اگر روانشناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه را علمی بدانیم که پیرامون رفتار انسانی بحث می‌کنند و راهکارهایی در این زمینه ارائه می‌دهند برای بهبودی شرایط جامعه، دین نیز سهمی موثر در این، فرآیند دارد چرا که آموزه‌های دینی به تربیت به عنوان اساسی‌ترین هدف دین نگاه دارند و اصولاً هدف ادیان تربیت و هدایت انسان‌ها به سوی روشنی و آگاهی است در دین به کسب دانش، تزکیه، تقوا... و آنچه فضایل برتر انسانی است توجه زیادی می‌شود یا به عبارتی دین برنامه انسان‌سازی است پس وقتی تمامی مولفه‌های تربیتی در دین اینگونه قابل احترام و ارزش هستند. پس جوامع دینی باید با آموزش درست مسائل دینی در زمینه تربیت افراد نقش موثر خود را ایفا کنند چرا که این یک نوع وظیفه دینی محسوب می‌شود که عالمان دینی باید انجام بدهند و از طرفی دیگر هم افراد اینگونه جوامع باید از دین کمک بگیرند، برای تربیت، آرامش و امنیت در زندگی و آموزه‌های دینی را الگوی خود قرار دهند تا از لحاظ دینی وظیفه خود را در قبال خدای خود به بهترین وجه انجام دهند (ابراهیم پور و عالی‌شاهی، ۱۳۹۶).

نقش خانواده و اهمیت آن در تربیت دینی

بر مبنای یک احساس و سنت دیرین، مشخص‌ترین مسئولیت خانواده در قبال زیست و رفاه فرزندان در تمدن خوراک و پوشاک، مسکن، بهداشت و تربیت خلاصه شده است و اگر چه در تربیت فرزندان (فرایند انتقال ارزش‌های دینی) گروه‌ها و عوامل اجتماعی زیادی تأثیر می‌گذارند، اما غالباً خانواده در این زمینه به منزله‌ی با نفوذترین عامل به شمار می‌رود.

در خانواده والدین به عنوان اصلی‌ترین عضو آن باید در تربیت دینی کودکان تلاش کنند تا متربی از سر شوق و اشتیاق به تجارب درونی دست یابد؛ به نحوی که خود بتواند فرت خدا جوی خویش را کشف کند و تجربه را به طور حضوری مشاهده نماید.

در کانون خانواده است که گرایش دینی افراد تقویت می‌شود و خمیرمایه‌ی شخصیت مذهبی در آنان تکریم می‌یابد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: کل مولود یولد علی الفطره حتی تکون ابواه یهودانه و ی نصرانه؛ هر نوزادی به فطرت (اسلام

و توحید) متولد می شود، آنگاه پدر و مادر او را به یهودیت و نصرانیت گرایش می دهند و از راه فطرت منحرف می سازند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱).

الف) نقش خانواده در تربیت دینی قبل از تولد

۱- همسر صالحه و شایسته: اسلام به عنوان دین کامل و جامع نقطه ی آغازین تربیت را قبل از ازدواج می داند، لذا به عنوان اولین گام شرایطی را برای انتخاب همسر شایسته که زمینه ساز تربیت صحیح فرزندان به شمار می رود لازم دانسته است و بهترین توشه ی دنیا را همسر صالح و نیکوکار معرفی می کند. رسول گرامی اسلام (ص) در بیان شرایط همسر شایسته می فرماید: ازدواج کن ولی بر تو باد که با زن دیندار و با ایمان ازدواج کنی. حضرت امام خمینی (ره) در مورد نقش مادر در سرنوشت فرزند می فرماید: دامن مادر بزرگ ترین مدرسه ای است که بچه در آن تربیت می شود. آنچه بچه از مادر می شنود غیر از چیزی است که از معلو می شنود، بچه از مادر بهتر می شنود تا معلم، در دامن مادر بهتر تربیت می شود تا در جوار پدر یا معلم.

۲-غذای حلال: از نکته های مهم و کاربردی تعالیم اسلامی در تربیت دینی فرزند، لقمه ی حلال والدین می باشد. امام صادق (ع) فرمودند: آثار کسب حلال در نسل انسان آشکار می شود، تأثیر مال حرام تا حدی است که موجب عدم قبولی اعمال عبادی انسان می شود. لذا نان آور خانواده باید توجه داشته باشد و آن را از عوامل معهم سعادت یا شقاوت خود و خانواده ی خویش تلقی کند (خرم روز و همکاران، ۱۴۰۰).

ب) نقش خانواده در تربیت دینی بعد از تولد

بعد از تولد، نقش تربیتی والدین و سایر اعضای خانواده تعیین کننده و پررنگ تر می شود. دستورات ژرف و ارزشمند اسلام در این دوره که از ابتدای تولد آغاز می شود تأثیرات فراوانی را در تربیت فرزند می گذارد.

۱. دوران طفولیت: اولین دستورالعمل بعد از تولد فرزند اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد می باشد. در روایتی حضرت رسول اکرم (ص) به حضرت امیرالمؤمنین فرمودند: ای علی! وقتی صاحب فرزند دختر یا پسر شدی در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگو، به درستی که هرگز شیطان نمی تواند به او ضرر برساند. طبیعی است که اولین کلماتی که گوش نوزاد را متوجه خود می کند اگر اسمای مبارک، خداوند و شهادتین باشد تأثیر عمیقی بر روح کودک گذاشته و دل و جان او را چون آینه شفاف می نماید.

۲- دوران کودکی: دوران کودکی یکی دیگر از مراحل نقش آفرین در امر تربیت دینی فرزندان می باشد. آشنایی صحیح والدین با دین، پاسخگویی درست و عمل آنان به دستورات شرعی و دینی از عوامل نقش آفرین در تربیت دینی فرزندان می باشد و از آنجا که والدین در این مرحله به عنوان بهترین الگو برای فرزندان می باشند هر نوع ناهمگونی بین رفتار و گفتار آنان نتیجه ی منفی در پی خواهد داشت. غزالی می گوید: بدان که کودک امانتی است در دست پدر و مادر و دل پاک وی چون گوهری نفیس از هر نقشی خالی است و چون موم نقش پذیر است؛ مانند زمین پاک که هر تخمی که در وی افکنی، بروید اگر تخم خیر افکنی به به سعادت دنیا و دین شریک باشد و اگر بر خلاف این باشد بدبخت شود و ایشان در هر چه بر وی رود شریک باشند.

اگر والدین می خواهند فرزند خود را راستگو، صالح، متعهد و اهل نماز و عبادت تربیت کنند خودشان نیز باید چنین باشند، زیرا در غیر این صورت نه تنها نتیجه بخش نمی باشد، بلکه مشکلاتی همچون بی اعتمادی فرزند نسبت به والدین، دروغ گویی، دورویی و تقلب را به همراه خواهد داشت. در مرحله ی کودکی، کودکان از خصوصیات ذهنی و روحی

محدودی که منعکس‌کننده‌ی اندیشه‌های ساده‌ی دینی آنهاست برخوردارند، به همین دلیل آموزش کودکان مخصوصاً آموزش تعالیم دینی از قبیل آموزش قرآن، احکام، احادیث و آداب زندگی باید در دستور کار والدین قرار گیرد. رسول خدا (ص) فرمودند: هر کس به فرزندش قرآن بیاموزد مانند آن است که ده هزار بار خانه‌ی خدا را زیارت کرده است (بلاغت و همکاران، ۱۳۹۵).

امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرمایند: حق فرزند بر پدر سه چیز است: انتخاب نام نیکو، ادب‌آموزی نیکو و آموزش قرآن. آموزش نماز و تشویق و ترغیب به آن باید در فهرست تربیت دینی فرزندان قرار گیرد. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «ما بچه‌هایمان را از پنج چیز سالگی به نماز امر می‌کنیم تا شما فرزندانمان را از هفت سالگی امر به نماز کنید» به هر حال والدین در آموزش ادب و احکام اسلامی نقش آفرین می‌باشند که هر کدام در تربیت دینی لازم و ضروری است (نجی‌الهی ملک‌شاه و همکاران، ۱۴۰۰).

حضرت امام خمینی (ره) در قسمتی از نامه‌ی خود به فرزندش حاج احمد آقا می‌فرماید: فرزندم! با قرآن، این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو و با قرائت آن راهی به سوی محبوب باز کن و تصور مکن قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه‌ی شیطان است. این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای هر کس و نامه‌ی محبوب، محبوب است، اگر چه چه عاشق و محب، مفاد آن را نداند (عسکری و همکاران، ۱۳۹۴).

۳- دوران نوجوانی و جوانی: دوره نوجوانی و جوانی دوره‌ی پر شور و نشاط و تحول زاست و فرد در این مرحله از زندگی احساسات متفاوتی از خود بروز می‌دهد. گاه با تندی و گاه با سردی و بی‌تفاوتی با مسائل زندگی برخورد می‌کند. با توجه به این تحولات، خانواده می‌تواند با استفاده درست و بهینه‌ی زمینه‌ی رشد و تربیت دینی فرزندان را فراهم آورده و آنها را از بیهوده‌انگاری نجات دهد. از این رو باید در این مرحله آموزش، مخصوصاً آموزش معرفت دینی به طور صحیح و جدی دنبال شود تا جوانان و نوجوانان در پرتو آن آگاهی‌ها بتوانند در مسیر صحیح قرار گرفته‌اند در جامعه به ایفای نقش پردازند. در این دوره باید باورهای دینی نوجوان و جوان تقویت و تعالی یابد، اخلاق و عمل او پالایش شود و از این دوره که بهترین دوره برای تربیت دینی و خودسازی می‌باشد بهترین توشه‌ها برگرفته شود. از خصوصیت این دوره پاکی و صفا و خلوص نیت می‌باشد و آمادگی لازم برای پذیرش معارف و پالایش ذرائع و کج روی‌ها وجود دارد. امام علی (ع) در روایتی به امام حسن (ع) می‌فرماید: قلب نوجوانن همچون زمین خالی است که هر بذری در آن افکنده شود می‌پذیرد. من پیش از آنکه دلت سخت گردد و فکرت مشغول شود به ادب و تربیت تو مبادرت کردم. مراقبت از برنامه‌های مذهبی نوجوان، تذکر به موقع و واداشتن آنان به این امور امری لازم و حتمی است. در عین حال باید توجه داشت که این کنترل‌ها هر اندازه غیر مستقیم و هنرمندانه تر باشد مفید تر است و احتمال گرایش نوجوان را به اعتقادات دینی و مذهبی بیشتر می‌کند. در پایان باید به این نکته توجه داشت که تربیت دینی فرزندان زمانی ثمر بخش است که ثبات و آرامش بیشتری در محیط خانواده حاکم باشد و یکی از راه‌های ایجاد ثبات و آرامش در خانواده تفاهم اعتقادی بین والدین است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

زمانی تربیت اثر گذاری مطلوب را خواهد گذاشت که تربیتی آگاهانه باشد و تربیت و پرورش درست هم زمانی حاصل خواهد شد که افراد و جوامع بخواهد که رشد یابند و افکار و اعتقادات کاذب و نادرست را از خود دور کنند سعی نمایند که رفتار سالم را یاد بگیرند و مسئولانه و وظیفه‌انسانی خود را انجام دهند. در سایه این بینش و رشد فکری است که

هم فرد متحول خواهد شد و همسو با آن خانواده و جامعه. لذا تربیت و پرورش یافتن و رشد فکری را باید وظیفه انسانی و اجتماعی برای افراد و نهادهای جامعه بدانیم که باید مسئولیت خود به بهترین حالت انجام دهند و در سایه تربیت سالم بتوان زندگی زیبایی داشت.

منابع

- ابراهیم پور، قدسیه و عالیشاهی، مریم، (۱۳۹۶)، مقایسه سلامت روان و عزت نفس در افراد شاغل و غیر شاغل شهر گرگان در سال ۹۶، کنفرانس بین المللی روانشناسی، مشاوره، تعلیم و تربیت، مشهد،
- احمدی، حسن و رحیمی، لیلا و یوسفی، رحیم. (۱۴۰۱). بررسی رابطه باورهای مذهبی و هوش هیجانی در دانش آموزان دبیرستانی. روانشناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)، ۱۹(۴۷)، ۴۸-۵۹.
- آقاجانی، سیف اله و صمدی فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۸). همبستگی تندرستی معنوی با هوش معنوی و هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی. مدیریت ارتقای سلامت، ۸(۴)، ۱-۷.
- آقاییانی چاوشی، اکبر، طالبیان، داوود، طرخورانی، حمید، صدقی جلال، هما، فتحی آشتیانی، علی و آزرمی، هاله. (۱۳۸۷). بررسی رابطه نماز با جهت گیری مذهبی و سلامت روان. مجله علوم رفتاری، ۲(۲)، ۱۴۹-۱۵۶.
- باقیات، مرتضی (۱۳۹۰). اثربخشی امید درمانی گروهی بر افزایش عزت نفس نوجوانان منطقه ۱۵ تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره گرایش خانواده، ه دانشگاه علامه طباطبائی
- بلاغت، رضا، احمدی، هادی و گلزاری مقدم، نجمه. (۱۳۹۵). بررسی رابطه جهت گیری مذهبی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان. پژوهش در نظام های آموزشی، ۱۰(۳۲).
- بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۷۲)، روشهای افزایش عزت نفس در کودکان ونوجوانان، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- چابکی نژاد، زهرا و حسینیان، سیمین. (۱۳۹۰). بررسی رابطه هوش معنوی با نگرش مذهبی در بین دختران دانشجو. فصلنامه تخصصی بانوان شیعه، ۸(۲۶)، ۳۳-۴۸. S
- حاجیلو، جلیل و رمزی، صمد، ۱۳۹۳، بررسی مقایسه سلامت روان زنان شاغل و زنان خانه دار، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان شناسی، مرودشت،
- خرم روز، امیررضا و اروجی، الهام و عسگری، الهام، (۱۴۰۰)، بررسی اثر بخشی خودآگاهی بر روی عزت نفس و سلامت روان زنان خانه دار، دومین کنفرانس علوم تربیتی، روانشناسی و علوم انسانی
- خواجه، محمد حسن، (۱۴۰۰) به بررسی نقش نماز بر تقویت امید به زندگی و سلامت روانی دانشجویان، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره بیست و ششم شماره ۸۶، ۱۵۹ - ۱۶۶
- سالاری پور، سیدمولود، مکتبی، غلامحسین و عالی پوربیرگانی، سیروس. (۱۳۹۷). رابطه هوش هیجانی و جهت گیری مذهبی با اضطراب مرگ در کارکنان مرد بازنشسته شرکت صنایع فولاد. فرهنگ مشاوره و روان درمانی (فرهنگ مشاوره)، ۹(۳۳)، ۹۹-۱۱۷.
- سهرابی، فرامرز. (۱۳۹۷). رابطه ی هوش عمومی و معنوی با آسایش معنوی. روان شناسی فرهنگی، ۲(۲)، ۵۹-۷۹.
- شاطرلو عالی، (۱۳۸۶)، افزایش عزت نفس دانش آموزان کم توان ذهنی از راه توجه به مولفه های خود پنداره، تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۷۴، ص ۲۷.

- صدری دمیرچی، اسماعیل و محمدی، نسیم. (۱۳۹۶). نقش جهت‌گیری مذهبی و حمایت اجتماعی ادراک شده در پیش‌بینی بهزیستی معنوی جانبازان. طب جانباز، ۹(۳)، ۱۲۷-۱۳۱.
- عاشوری، جمال، صفاریان، محمدرضا و یوسفی، نوراله. (۱۳۹۳). رابطه جهت‌گیری مذهبی، خوش‌بینی و هوش معنوی با سلامت معنوی مریدان قرآن. روان‌شناسی و دین، ۲۷(۲ (پیاپی ۲۶))، ۱۲۵-۱۳۶.
- عسکری، مه‌رانا، حیدری، علیرضا و عسگری، پرویز. (۱۳۹۴). رابطه هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی با بهزیستی روانشناختی و اضطراب وجودی در دانشجویان. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۹(۳۱)، ۳۱-۳۷.
- غلامی، حسن و جمالی، علی. (۱۴۰۰). بررسی عوامل موثر درون مدرسه‌ای جذب دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان خراسان شمالی به نماز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۷(۸)، ۴۰-۵۳.
- فاضلی کبریا، مه‌ناز، یداله پور، محمدهادی و قلی‌نیا آهنگر، همت. (۱۴۰۰). رابطه هوش معنوی و سلامت عمومی با نقش میانجی بهزیستی معنوی در دانشجویان. دین و سلامت، ۹(۱)، ۳۷-۴۵.
- کلمز هریس، (۱۳۷۵)، روشهای تقویت عزت نفس در نوجوانان، ترجمه علی‌پور پروین، مشهد، آستان قدس رضوی.
- لطافتی بريس، امين (۱۳۸۸) نظریه پردازان سلامت روان، فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، سال شانزدهم، شماره ۵۵ و ۵۶.
- نجی الهی ملک‌شاه، راضیه و رضاخانی، سیمین دخت. (۱۴۰۰). نقش میانجی‌گر کفایت اجتماعی در رابطه بین تفکر خلاق و هوش هیجانی با جهت‌گیری مذهبی. روان‌شناسی کاربردی، ۱۵(۴ (پیاپی ۶۰))، ۵۱-۷۹.
- ولی‌زاده شیرین، (۱۳۸۷)، روشهای افزایش عزت نفس در کودکان دارای نیازهای ویژه، تعلیم و تربیت استثنایی ۱۳۸۷ شماره ۸۵ و ۸۴ ص ۷۰
- یوسفی، حبیب‌اله، عبدالکریمی نطنزی، مرضیه و نسایی برزکی، حسین. (۱۳۹۸). بررسی رابطه میزان پای‌بندی به نماز و مرتبه سلامت معنوی. فیض، ۲۳(۷ (ضمیمه))، ۷۴۰-۷۳۵.
- Geethika A, Archana M, Sannet Thomas, (2021), The Study on Self-Esteem and Psychological well being among Working and non working women International Journal Of Creative Research Thoughts (IJCRT) An International Open Access, Peer-reviewed. Refereed Journal, Volume 9.
- Kansal.H & Sink.Z. (2019). Title The role of religious orientation and perceived social support in predicting the spiritual well-being of Indian students. Journal of the indion academy psychology, vol 32, no.3,227-233.
- Parkes, k.R. & Clurk,M (2001). The offshore environment in the mid 1990s. A survey of psychological factors, contractvresearch report
- Salmela, A.& Nurmi Jari,E. (2007).Self- Esteem during university studies predicts career characteristics 10years.Journal of vocational Behavior.Vol. 10
- Simran jeet. Swarn Tomar, Ruchi Khurana, (2018), A Comparative Study on the Self-Concept Among Working and Nonworking Women Residing in Selected Areas of Dera Bassi, District Mohali Punjab, International Journal of Nursing Critical Care, Vol 4, No 1 (2018).